

مآخذشناسی و ارزیابی سندی اصل نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت علیهم السلام

دکتر مهدی جلالی*

فاطمه رضاداد**

چکیده:

اختلاف در باره اسباب نزول برخی آیات و سوره، از جمله مباحث مطرح در دانش اسباب نزول است. سوره **«هَلْ أَتَىٰ»** از جمله مهم‌ترین سوره‌های اختلافی است که ارزیابی شأن نزول و شبهات پیرامونی آن، داوری صحیح و نقادانه را می‌طلبد. در این نوشتار بر آنیم تا با مآخذشناسی و ارزیابی سندی روایات سبب نزول سوره انسان (دهر) بررسی نماییم که آیا بر خلاف ادعای کسانی چون ابن جوزی، احمد امین و... می‌توان به این نتیجه دست یافت که نزول سوره **«هَلْ أَتَىٰ»** در شأن اهل بیت علیهم السلام نه اسطوره‌ای برساخته از سوی شیعیان، بلکه حقیقتی است که اصالت و صحت سندی‌اش، بنابر مبانی حدیث‌پژوهی عامه و خاصه قابل اثبات است؟

کلید واژه‌ها: اهل بیت علیهم السلام، سوره هل اتی، سبب نزول، روایات، صحت سندی.

درآمد

دیر زمانی است که از نزول آیات قرآن کریم می‌گذرد؛ کتاب مقدسی که رهنمودهایش تا ابد بشر را به خیر و راستی رهنمون خواهد بود. نزول بسیاری از آیات این کتاب الهی مسبوق به سبب و حادثه خاصی بوده است که دانستن آن، افزون بر این که ما را در فهم معنای صحیح آیه یاری می‌رساند، بعضاً از فضایل یا مساوی عده‌ای پرده برمی‌دارد. از مهم‌ترین این موارد، آیاتی چند از سوره مبارکه دهر است که به گواهی خاصه و عامه در شأن حضرت امیر علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام نازل گردیده و گوشه‌ای از فضایل و مناقب آن بزرگواران را برای ما به تصویر می‌کشد.

در این میان، برخی چون ابن جوزی، ابن تیمیه، احمد امین مصری و... با طرح شبهاتی - که برخی رنگ افترا به خویش گرفته است - اصل نزول این سوره را در شأن اهل بیت علیهم السلام زیر سؤال می‌برند. شبهات مزبور را می‌توان در دو محور خلاصه کرد:

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

الف) ضعف سندى،

ب) ضعف محتوایی هم چون:

وجود برخی اشعار رکبیک و دور از فصاحت در این روایات؛

تناقض مکی بودن سوره دهر با مدنی بودن سبب نزول^۲

از آن جا که بزرگانی چون شیخ طبرسی در مجمع البیان، سید بن طاووس در سعد السعود و آیت الله میلانی در تفسیر المراجعات، نیز محققانی چون دکتر صمد عبد اللهی عابد در شماره ۳۹ فصلنامه علوم حدیث، محور دوم را موضوع بحث قرار داده‌اند، ما همت خویش را مصروف محور نخست نموده و در پی آنیم تا با مآخذ شناسی و ارزیابی سندى این دسته از روایات، شبهات وارده در این محور را بررسی نماییم.

شبهات در باره سند روایات دال بر نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت^۳

ابن جوزی^۴، ابن کثیر^۵، ابن تیمیه^۶ و...، برخی روایات ضعیف السند یا ضعیف الدلاله در بیان سبب نزول سوره «هَلْ أَتَى» را محور قرار داده و با خدشه وارد ساختن بر این روایات، اصل نزول این سوره را در شأن اهل بیت^۷ اسطوره‌ای ساخته و پرداخته شیعیان دانسته و همه روایات مطرح در این عرصه را موضوع و مجعول خوانده‌اند. ابن تیمیه در این باره می‌نویسد: «ان هذا الحديث من الكذب الموضوع باتفاق أهل المعرفة بالحديث الذى هم أئمة هذا الشأن و حکامه و قول هؤلاء هو المنقول فى هذا الباب و لهذا لم يرو هذا الحديث فى شىء من الكتب التى يرجع إليها... و غیرهم من العلماء الأكابر الذين هم فى الإسلام لسان صدق و تفاسیرهم متضمنة للمنفولات التى يعتمد عليها فى التفسیر» و ابن جوزی می‌گوید: «هذا حديث لا يشك فى وضعه».

در مقام بررسی این شبهات، بحث را در چهار محور دنبال می‌نماییم:

۱. مآخذ شناسی

اگر با نگاهی منصفانه و به دور از تعصب به منابع متقدم عامه و خاصه بنگریم، در می‌یابیم که روایات

۱. در پاسخ به این شبهه باید گفت که:

اولاً، این ابیات تنها در چند روایت از این مجموعه روایی قرار دارند و روایات قوی العتی در دست است که هم از وجود این اشعار، عاری است و هم نزول این سوره در شأن اهل بیت^۸ را اثبات می‌سازد.

ثانیاً، ممکن است رکاکت الفاظ و دوری آنها از فصاحت لازم، ناشی از نقل به معنا و اشتباهات راویان در گذر زمان باشد.

ثالثاً، این گونه بیان در اشعار رجز گونه معمول بوده و حتی در اشعار شعرای بزرگ عرب نیز نظیر آن دیده می‌شود (شکره الخواص، ص ۳۱۵).

۲. برای آگاهی از پاسخ این شبهه، رک: مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۴ - ۴۰۵؛ سعد السعود، ص ۲۹۱ - ۲۹۴؛ الغدير، ج ۳، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

۳. الموضوعات، ج ۱، ص ۳۹۲.

۴. البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۳۵۱.

۵. منهاج اهل السنة، ج ۷، ص ۱۷۴ - ۱۷۹.

بیانگر سبب نزول سوره دهر، یکسره از صدر تا ذیل، مجعول و ساخته دست شیعیان نیست. زیرا منابع عامه، همواره پا به پای منابع خاصه به نقل این روایات همت گماشته‌اند:
برخی از مؤلفان مسلمان و منابع اسلامی بیانگر نزول سوره دهر در شأن اهل بیت^{علیهم‌السلام}:

الف. منابع اهل سنت

مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق)، تفسیر، تحقیق: أحمد فرید، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ۴۲۸.
عمرو بن بحر الجاحظ (م ۲۵۵ق)، العنایة، تحقیق: و شرح عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الکتب العربی، بی تا، ص ۳۱۹.

محمد بن سلیمان کوفی (م حدود ۳۰۰ق)، مناقب الامام امیر المؤمنین^{علیه‌السلام}، تحقیق: محمد باقر بهبودی، قم: مجمع احیاء التراث الثقافیة، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۶ - ۵۷، ۱۶۲ - ۱۶۵، ۱۷۱ - ۱۸۶.

ابن عبد ربه مالکی اندلسی (م ۳۲۸ق)، العقد الفرید، دار الکتب العربی، بیروت: ج ۵، ص ۹۳.
قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق)، شرح الاخبار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۳.

سمرقندی (م ۳۷۵ق)، بحر العلوم، تحقیق: محمود مطرچی، بیروت: دار الفکر، بی تا، ج ۳، ص ۵۲۷.
ابن مردویه (م ۴۱۰ق)، مناقب علی بن ابیطالب^{علیه‌السلام}، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۴ق، ص ۳۴۱.

ثعلبی (م ۴۲۷ق)، الكشف والبیان، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۹۹ - ۱۰۲.

واحدی (م ۴۶۸ق)، اسباب نزول، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، الاولی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۰.

حاکم حسکانی (م ۴۷۰ق)، ترواهد التنزیل، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، تهران: مؤسسه الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۸ - ۲۱ و ج ۲، ص ۴۰۳ - ۴۰۹.

محسن بن کرامه (م ۴۹۴ق)، تنبیه الغافلین، تحقیق: السید تحسین آل شیبیب الموسوی، مرکز الغدیر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۹.

بغوی (م ۵۱۶ق)، معالم التنزیل، به تحقیق: خالد بن عبد الرحمان العک، بیروت: دار المعرفة، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۱.

میبدی (م ۵۲۰ق)، کشف الاسرار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳ش، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

۶. گر چه احتمال دخل و تصرف یا کم و زیاد نمودن سبب نزول مزبور از جانب برخی روات منتفی نیست، لیکن این امر به اصل ماجرا خدشهای وارد نمی‌سازد.

- زمخشري (م ٥٣٨ ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التاويل، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ ق، ج ٤، ص ٦٧٠
- خوارزمي (م ٥٦٨ ق)، المناقب، تحقيق: شيخ مالک محمودي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٤ ق، ص ٢٦٩
- فخر رازي (م ٦٠٦ ق)، مفاتيح الغيب، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٢٠ ق، ج ٣٠، ص ٢٤٣ - ٢٤٦
- ابن عربي (م ٦٢٨ ق)، تفسير، تحقيق: عبد الوارث محمد علي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ ق، ج ٢، ص ٣٧٠
- محمد بن طلحة شافعي (م ٦٥٢ ق)، مطالب السؤل، تحقيق: ماجد بن احمد العطية، بي جا، بي نا، بي تا، ص ٤٠
- سبط ابن جوزي (م ٦٥٤ ق)، تذكرة الخواص، تهران: مكتبة نينوي الحديثة، ص ٣١٥
- بيضاوي (م ٦٨٥ ق)، أنوار التنزيل و اسرار التاويل، بيروت: دار الفكر، بي تا، ج ٥، ص ٢٧١
- نظام نيشابوري (م. بعد از ٧٢٨ ق)، غرائب القرآن، تحقيق: شيخ زكريا عميرات، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٦ ق، ج ٦ ص ٤١٣
- حمويني خراساني (م. ٧٣٠ ق)، فرائد السمطين، تحقيق: شيخ محمد باقر المحمودي، بيروت: مؤسسة المحمودي للطباعة و النشر، ١٤٠٠ ق، ج ٢، ص ١٣٥
- غرناطي كلبى (م ٧٤١ ق)، التسهيل لعلوم التنزيل، الطبعة الرابعة، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٣ ق، ج ٤، ص ١٦٧
- العيني (م. ٨٥٥ ق)، عمدة القارى، بيروت: دار احياء التراث العربي، ج ١٩، ص ٢٧٠
- ابن دمشقى (م ٨٧١ ق)، جواهر المطالب، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودي، قم: مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٥ ق، ج ١، ص ٢٢١
- سيوطى (م ٩١١ ق)، الدر المنثور، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، ج ٦ ص ٢٩٩
- كشفي ترمذى (م ١٠٦١ ق)، كوكب درى فى فضائل على، تحقيق: كوروش مرتضوى، چاپ اول، تهران: روزنه، ١٣٨٠ ش، ص ٦٥
- شوكانى (م ١١٧٣ ق)، فتح القدير، دار ابن كثير، دمشق: دارالكلم الطيب، ١٤١٤ ق، ج ٥، ص ٣٤٨
- أوسى (م ١٢٧٠ ق)، روح المعاني، بي جا، بي نا، بي تا، ج ٢٩، ص ١٥٧
- قندوزى (م ١٢٩٤ ق)، ينابيع المودة، تحقيق: سيد جمال على الحسيني، دار الاسوة، ١٤١٦ ق، ج ١، ص ٢٧٩ و ج ٢، ص ٢٧٧
- ب. منابع شيعه
- حبرى كوفى (م ٢٨٦ ق)، تفسير: تحقيق: محمد رضا حسيني، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٠٨ ق.

- ابن الجحام (م قرن ٤)، *تأويل ما نزل من القرآن في نبي وآله*، تحقيق: فارس تيريزيان، مركز الابحاث العقائدية، بى جا، بى تا، ص ٤٣٨ - ٤٤٢.
- على بن ابراهيم قمى (م ٣٢٩ ق)، *تفسير القمى*، تصحيح: سيد طيب جزائرى، الطبعة الثالثة، قم: مؤسسة دار الكتاب، ١٤٠٤ ق، ج ٢، ص ٣٩٨.
- فرات بن ابراهيم (م ٣٥٢ ق)، *تفسير*، تحقيق: محمد الكاظم، تهران: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الإسلامى، ١٤١٠ ق، ص ٥١٩ - ٥٢٤.
- شيخ صدوق (م ٣٨١ ق)، *أمالى*، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية، مركز الطباعة و النشر فى مؤسسة البعثة، ١٤١٧ ق، ص ٣٢٩ - ٣٣٠.
- شيخ صدوق، *عيون اخبار الرضا*، تحقيق: حسين اعلمى، الطبعة الاولى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤ ق، ج ١، ص ٢٠٥ - ٢٠٧.
- شيخ صدوق، *كمال الدين و تمام النعمة*، تصحيح على اكبر غفارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٥ ق، ص ٩٥.
- خزاز قمى (م ٤٠٠ ق)، *كفاية الأثر*، قم: انتشارات بيدار، ١٤٠١ ق، ص ٢١٠.
- شيخ مفيد (م ٤١٣ ق)، *الارتداد*، تحقيق: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، بيروت: دار المفيد للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٣ ق، ج ٢، ص ٢٩ - ٣٠.
- شيخ مفيد، *الاصحاح*، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ ق، ص ١٦١ - ١٦٢ و ٢١١.
- شيخ مفيد، *مسار الشيعة*، تحقيق: الشيخ مهدي نجف، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ ق، ص ٤٢.
- ابو الفتح كراچكى (م ٤٤٩ ق)، *التمجيب*، تحقيق: فارس حسون كريم، بى جا، بى تا، بى تا، ص ١١٩.
- شيخ طوسى (م ٤٦٠ ق)، *مصباح المتعبد*، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ ق، ص ٧٤٨.
- شيخ طوسى، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا، ج ١٠، ص ٢١١.
- طبرسى (م اوائل ٦)، *الاحتجاج*، تحقيق: سيد محمد باقر خراسان، دار النعمان، بى تا، ج ١، ص ٧٦.
- فتال نيشابورى (م ٥٠٨ ق)، *روضة الواعظين*، تحقيق: سيد محمد مهدي خراسان، قم: منشورات الرضى، ص ٢٦٠ - ٢٦٤.
- طبرسى (م ٥٤٨ ق)، *مجمع البيان*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢، ج ١٠، ص ٤١٢.
- قطب الدين راوندى (م ٥٧٣ ق)، *الخرائج و الجرائع*، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج)، ١٤٠٩ ق، ج ٢، ص ٨٩٠.
- ابن شهر آشوب (م ٥٨٨ ق)، *منقب آل ابي طالب*، النجف الاشرف: مطبعة الحيدرية، ١٩٥٦ م، ج ٣، ص ١٤٧ - ١٤٩.
- ابن ادريس حلى (م ٥٩٨ ق)، *السرائر*، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٠ ق، ج ١، ص ٤١٨.
- ابن بطريق (م ٦٠٠ ق)، *المتمدة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤٠٧ ق، ص ٣٤٥ - ٣٤٩.

ابن بطریق، *خصائص الریح المبین*، تحقیق: شیخ مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۷۵ - ۱۸۲.

ابن طاووس (م ۶۶۴ ق)، *اقبال الاعمال*، تحقیق: جواد قیسومی اصفهانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۳۷۴ - ۳۷۷.

ابن طاووس، *الطرائف*، الطبعة الاولى، قم: مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ ق، ص ۱۰۷-۱۱۰.

ابن طاووس، *سعد السعد*، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱ - ۱۴۴ و ۲۹۱.

ابن طاووس، *كشف الغمة*، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۷.

تحقیق: سید احمد حسینی، *نهج الايمان*، مشهد: مجتمع امام هادی، ۱۴۱۸، ص ۱۷۲ - ۱۷۵.

علامه حلی (م ۷۲۶ هـ)، *الرسالة السعدیة*، تحقیق: عبد الحسین محمد علی، الطبعة الاولى، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۰.

_____، *منتهی المطلب*، بی جا، بی نا، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۲.

_____، *كشف المراد*، تحقیق: آیت الله حسن زاده آملی، الطبعة السابعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۲۵.

علی بن یونس عاملی (م ۸۷۷ ق)، *الصراط المستقیم*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: مکتبه المرتضویة، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۴ و ۲۵۸.

محقق اردبیلی (م ۹۹۳ ق)، *زبدة البیان*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، مکتبه المرتضویة، ص ۴۲۲ - ۴۲۴.

اکنون پرسش مهم این است که آیا می توان همه اخبار بیانگر نزول سوره دهر در شأن اهل بیت را در همه این منابع، جعل و نویسندگان آنها را جعل و دروغ پرداز یا گزارشگر دروغ و جعل دانست؟ چنین امری معقول و منطقی نمی نماید و پاسخ به این پرسش، طبعاً منفی است.

۲. شهرت روایی و تواتر معنوی

اگر سیر نقل روایات سبب نزول سوره دهر را در گذر زمان دنبال نماییم، در می یابیم که اصل نزول سوره «هل آتی» در شأن اهل بیت است - که قدر مشترک همه اعضای این خانواده حدیثی است - ، با توجه به تعدد طرق نقل و کثرت راویان غالباً عامی مذهب آن در هر طبقه، از حد شهرت و استفاضه گذشته و به تواتر معنوی نزدیک گردیده است. از این رو، دیگر جایی برای تردید در صحت اصل این موضوع باقی نمی ماند. نمودار زیر نشان دهنده تعداد راویان این مجموعه روایی در هر طبقه است.^۷

نمودار طبقه بندی برخی راویان روایات نزول سوره دهر در شأن اهل بیت:

۷. برای تعیین طبقات، از کتاب های طرائف المقال بروجردی؛ لسان المیزان و تخریب التهذیب این حجره: تذکره الحفاظ و تاریخ اسلام ذهبی استفاده نموده ایم. ضمناً با توجه به این که با گذر زمان بر تعداد روات آن در هر طبقه افزوده می شود، در نمودار مزبور، تنها طبقات روات را تا اواخر قرن پنج دنبال نمودیم.

طبقه اول و دوم طبقه صحابه

حضرت امیر (ع)، زید بن ارقم، ابن عباس، عامر بن واثله.



طبقه سوم (حدود سال ۱۱۰-۷۵هـ)

امام سجاد (ع)، مجاهد بن جبر، ضحاک بن مزاحم، قاسم بن عرف شیبانی، طاووس بن کيسان، اصعب بن نباته، سعید بن جبیر، عبد الله بن الحارث المکتب الزبیدی الکوفی، ابو کثیر زهیر بن اهرم الزبیدی.



طبقه چهارم (حدود سال ۱۴۵-۱۱۰)

امام باقر (ع)، باذام ابو صالح، ابو روق عطیه بن حارث الهمدانی، عمرو بن مرد.

طبقه پنجم (حدود سال ۱۷۵-۱۴۵)

امام صادق (ع)، محمد بن سائب کلیبی، ابو خالد عبد الملك بن عبد العزیز بن جریج الرومی، عطاء بن میسره، لیب بن ابی سلیم، نهاس بن فهم، مقاتل بن سلیمان، ابو العمیس عثبه بن عبد الله المسعودی، ابو الجارود، ابو الطارق سراج، بدر ابو سعید وراق.



طبقه ششم (حدود سال ۲۰۰-۱۷۵)

محمد بن کثیر کوفی، عبد الله بن میمون القداح، وکیع بن جراح، حیان بن علی، یحیی بن ابی روق الهمدانی، محمد بن مروان السدی الصغیر، ابو ساسان هشام بن سری، موسی بن عبد الرحمان نقفی، ابو عبد الله سمرقندی، محمد بن عبد الله بن عبید الله بن ابی رافع، سلمه بن خالد، روح بن عبد الله، قاسم بن یحیی الغنوی، اسحاق بن نجیح، ابو سعید وراق.

طبقہ ہفتم (حدود سال ۲۲۵-۲۰۰)

امام ہادی (ع)، قاسم بن بہرام، احمد بن حماد البروزی، عبد الفتی بن سعید، حماد بن عیسیٰ، ہذیل بن حبیب، حکم بن مسکین، ربیع بن ہارون، حفص بن منصور الطائر

طبقہ ہشتم (حدود سال ۲۷۰-۲۳۵)

امام عسکری (ع)، حسن بن مہران، محمد بن بحر، ابراہیم بن ہاشم قمی، محبوب بن حمید القصری، شعیب بن واقد، عبد اللہ بن محمد بن عبد الوہاب الخوارزمی، محمد بن ابراہیم بن محمد الملوی، حسن بن حسین الرضی، محمد بن النعمان بن الشیل، موسیٰ بن یہلول، عثمان بن ابی شیبہ، محمد بن الحسن بن خطاب، احمد بن الثعلبی، ثابت بن یعقوب، محمد بن خالد العیاسی، احمد بن عبد الصمد، عثمان بن سعید العمری

طبقہ نہم (حدود سال ۳۰۰-۲۷۰)

محمد بن زکریا البصری، ہاشم بن احمد بن معاویہ، عبد الرحمان بن فہد بن ہلال، محمد بن یونس الکدیعی، حسن بن محمد بن بہرام، محمد بن احمد بن روح الطرطوسی، حسین بن حکم، جعفر بن محمد الملوی، یکر بن سہول

طبقہ دہم (حدود سال ۳۳۰-۳۰۰)

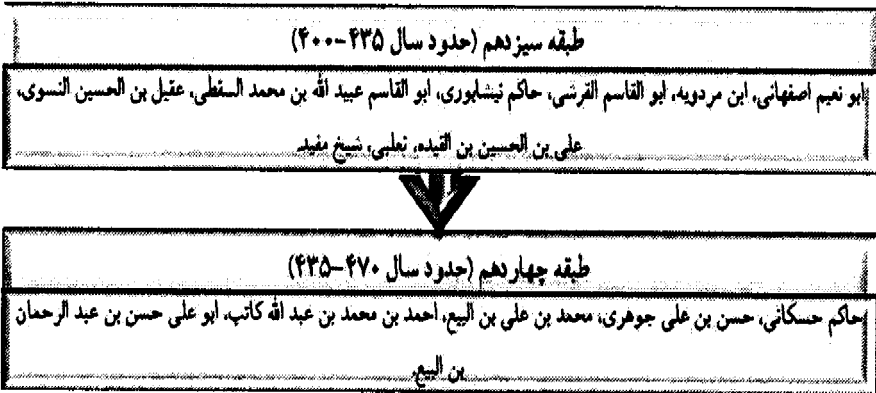
ابو محمد عبد اللہ بن ثابت المقری، محمد بن ابراہیم بن زکریا، ابو النضر العیاسی، محمد بن حفص الختیمی، ابراہیم بن ابیطالب، احمد بن روح، فاطمہ بنت محمد بن شعیب، محمد بن احمد بن سہیل بن علی، سعد بن عبد اللہ بن ابی خلف، حسن بن عبد الواحد، محمد بن احمد بن علی الہمدانی، حسین بن روح، محمد بن یعقوب کلینی، فرات بن ابراہیم کوفی، علی بن ابراہیم قمی، احمد بن محمد بن حسن بن الشرقی، علی بن الحسن بن ہلویہ

طبقہ یازدہم (حدود سال ۳۶۵-۳۳۰)

عبد العزیز بن یحییٰ، محمد بن ابراہیم بن اسحاق، احمد بن عبد اللہ المزنی، علی بن محمد بن عبید اللہ، محمد بن احمد بن سالم، ابو القاسم ماسرجسی، عمر بن احمد بن روح، عثمان بن احمد السماک الدقاق، محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماہیان، احمد بن محمد بن ابی التلعج، عبد الرحمان بن محمد الحسنی، ابن ولید، احمد بن محمد بن الحسن التظان

طبقہ دوازدہم (حدود سال ۴۰۰-۳۶۵)

جعفر بن قولویہ، حسن بن احمد بن الشیبانی المدنی، عبد اللہ بن حامد ماہانی، شیخ صدوق، محمد بن موسیٰ بن عبد سلیمان بن احمد الطبرانی، احمد بن جعفر بن محمد بن محمد بن سالم الختلی، ابو یکر محمد بن عبید اللہ



۳. سندشناسی

همان گونه که پیش از این گذشت، کسانی چون ابن جوزی، ضعف برخی روایات این مجموعه حدیثی را دستاویزی برای رد اصل قضیه قرار داده‌اند؛ در حالی که:

اولاً. به فرض نبود روایات با سند صحیح، ضعف روایات ضعیف السند این مجموعه منجر به کثرت طرق نقل و شهرت روایی است.

ثانیاً. سند همه این روایات، ضعیف نیست و روایات صحیح السند و عالی المضمونی در این مجموعه روایی قرار دارند که به تنهایی مثبت اصل قضیه‌اند.

آن چه در ذیل می‌آید، تفصیل و اثبات این دو امر است:

الف. جبران ضعف سندی روایات با کثرت طرق نقل

اسناد روایات دال بر نزول سوره ﴿هَلْ أَتَى﴾ در شأن اهل بیت^ع، غیر از سندی که در فصل بعد خواهد آمد، به طرق متعدد، در نقطه نهایی خویش به امام سجاد و صادقین^ع، زید بن ارقم، ابن عباس، طاووس بن کیسان، سعید بن جبیر و اصبع بن نباته منتهی می‌شوند. اسناد مزبور عبارت‌اند از:

اسناد روایات معصومان^ع

الف. «ابو أحمد عبدالعزیز بن یحیی الجلودی و أبو عبدالله محمد بن زکریاء البصری قالا: حدثنا الحسن بن مهران، قال: حدثنا سلمة بن خالد، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه^ع».^۸

ب. «حدثنا فرات بن إبراهيم الكوفي قال: حدثنا محمد بن إبراهيم بن زكريا اللفطاني قال: حدثني أبو الحسن هاشم بن أحمد بن معاوية عن محمد بن محمد بن بحر عن روح بن عبد الله عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه».^۹

۸. امالی الصدوق، ص ۳۳۰.

۹. تفسیر فرات، ص ۵۱۹.

ج. «علی بن ابراهیم قمی عن ابیه عن عبد الله بن میمون القداح عن ابی عبد الله»^{۱۰}.
 د. «حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال: حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسني قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن حفص الخثعمي قال: حدثنا الحسن بن عبد الواحد قال: حدثني أحمد بن الثعلبي قال: حدثني أحمد بن عبد الحميد قال: حدثني حفص ابن منصور العطار قال: حدثنا أبو سعيد الوراق، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن جده»^{۱۱}.

از میان این اسناد، سند نخست به دلیل مجهول الحال بودن حسن بن مهران و سلمه بن خالد، و سند دوم به دلیل ناشناخته بودن محمد بن ابراهیم، هاشم بن احمد، محمد بن بحر و روح بن عبدالله ضعیف تلقی می‌شوند. سند سوم نیز، گرچه تا علی بن ابراهیم صحیح است، اما به دلیل مجهول الحال بودن واسطه بین او و نسل‌های بعد ضعیف به شمار می‌آید؛ زیرا تفسیر علی بن ابراهیم، نگاشته خود او نیست و توسط کسی گردآوری شده که وضعیت آن بر رجال شناسان مجهول است. سند پایانی نیز، همه روایات آن تا امام صادق: «جز احمد بن ثعلبی در منابع رجالی ناشناخته‌اند.

اسناد روایات ابن عباس

الف. طریق مجاهد

۱. «حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق حدثنا أبو أحمد عبد العزيز بن يحيى الجلودى البصرى. حدثنا محمد بن زكريا حدثنا شعيب بن واقد»^{۱۲} و «قال الشيخ أبو محمد الحسن بن أحمد بن محمد بن علي الشيباني العدل: أخبرنا أبو حامد أحمد بن محمد بن الحسن بن الشرفي، حدثنا أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب الخوارزمي حدثنا أحمد بن حماد المروزي، حدثنا محبوب بن حميد القصري»^{۱۳}: «حدثنا القاسم بن بهرام عن ليث، عن مجاهد، عن ابن عباس».

از رجال این سند، شعيب بن واقد، عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب و محبوب بن حميد، مجهول الحال و قاسم بن بهرام^{۱۴} و ليث بن ابی سليم^{۱۵} ضعیف تلقی می‌شوند. وثاقت یا ضعف احمد بن حماد نیز مورد اختلاف است.^{۱۶}

ب. طریق ابو صالح

۱. «قال الثعلبي: أخبرنا عبد الله بن حامد، أخبرنا أبو محمد أحمد بن عبد الله المزني، حدثنا أبو الحسن محمد بن أحمد بن سهيل بن علي بن مهران الباهلي، حدثنا أبو مسعود عبد الرحمان بن فهد بن هلال، حدثني القاسم

۱۰. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۸.

۱۱. خصال، ص ۵۴۸.

۱۲. مناقب الامام امیر المومنین، ج ۱، ص ۱۷۸؛ امالی الصدوق، ص ۳۳۰.

۱۳. الكشف والبيان، ج ۱۰، ص ۹۹؛ العدة، ص ۳۴۶.

۱۴. لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۵۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۸۳.

۱۵. ضفأ، ج ۴، ص ۱۴ - ۱۷؛ تقریب التهذيب، ج ۲، ص ۴۸.

۱۶. خلاصة الاقوال، ص ۳۲۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۱۱ - ۱۱۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۹۴.

بن يحيى الغنوى ، عن محمد بن السائب ، عن أبى صالح عن ابن عباس^{١٧}.

٢. «قال الفرات فى تفسيره: حدثنى محمد بن أحمد بن على الهمداني حدثنا جعفر بن محمد العلوى حدثنا محمد ، عن محمد بن عبد الله بن عبيد الله بن أبى رافع عن الكلبي عن أبى صالح عن ابن عباس^{١٨}».
٣. «أخبرنا أبو محمد الحسن بن على بن محمد الجوهري حدثنا أبو عبيد الله محمد بن عمران بن موسى بن عبيد المرزباني قراءة عليه حدثنا أبو الحسن على بن محمد بن عبيد الله الحافظ حدثنى الحسين بن الحكم الحبري حدثنا حسن بن حسين حدثنا حبان بن على ، عن الكلبي عن أبى صالح عن ابن عباس^{١٩}».
- اسناد مزبور به دليل اشتغال بر راويان ضعيفى چون محمد بن احمد بن سهيل^{٢٠}، محمد بن سائب كلبي^{٢١}، ابو صالح^{٢٢}، حسن بن حسين^{٢٣} و حبان بن على^{٢٤} و نيز، راويان مجهول الحالى نظير محمد بن احمد بن على همدانى و عبد الرحمان بن فهيد بن هلال صحيح نيستند.
- ج. طريق عطاء بن ميسره

١. «قال ابو النضر (العياشي): حدثنا أبو أحمد محمد بن أحمد بن روح الطرطوسى حدثنا محمد بن خالد العباسى حدثنا إسحاق بن نجيح ، عن عطاء - بن ميسره ابى مسلم مرسلأ - : عن ابن عباس^{٢٥}».
٢. «قال الحاكم فى شواهد التنزيل: أخبرنى أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني كتابه أخبرنا سليمان بن أحمد الطبراني حدثنا بكر بن سهل الدمايطى أخبرنا عبدالغنى بن سعيد، عن موسى بن عبدالرحمان، عن ابن جريج ، عن عطاء عن ابن عباس^{٢٦}».
- در منابع رجالى اسحاق بن نجيح^{٢٧}، بكر بن سهل^{٢٨} و موسى بن عبدالرحمان^{٢٩}، تضعيف شده اند و وثاقت محمد بن احمد بن روح و محمد بن خالد عباسى نيز معلوم نيست. لذا اسناد مزبور، ضعيف تلقى مى شوند.

د. طريق ضحاک بن مزاحم

١. «قال ابن مردويه: حدثنا محمد بن أحمد بن سالم، حدثنى إبراهيم بن أبى طالب النيشابورى ، حدثنا محمد

١٧. الكشف والبيان، ج ١٠، ص ٩٩.

١٨. تفسير فرات، ص ٥٢٩؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٠٣.

١٩. شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٠٦.

٢٠. الكامل، ج ٦ ص ٣٠٣ - ٣٠٤.

٢١. الجرح و التعديل، ج ٧، ص ٢٧٠ - ٢٧١؛ كتاب المجروحين، ج ٢، ص ٢٥٣ - ٢٥٦.

٢٢. ميزان الاعتدال، ج ١، ص ٢٩٦.

٢٣. لسان الميزان، ج ٢، ص ١٩٩ - ٢٠٠؛ ميزان الاعتدال، ج ١، ص ٤٨٣ - ٤٨٥.

٢٤. تاريخ بغداد، ج ٨، ص ٢٤٩ - ٢٥١؛ تهذيب التهذيب، ج ١، ص ١٨٧.

٢٥. شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٠٣.

٢٦. همان، ج ٢، ص ٤٠٥.

٢٧. الجرح و التعديل، ج ٢، ص ٢٣٥ - ٢٣٦.

٢٨. ميزان الاعتدال، ج ١، ص ٢٣٥ - ٢٣٦؛ سير اعلام النبلاء، ج ١٢، ص ٢٢٥ - ٢٢٧.

٢٩. كتاب المجروحين، ج ٢، ص ٢٤٢.

بن النعمان بن شبل، حدثنا يحيى بن أبي زوق الهمداني، عن أبيه، عن الضحاک، عن ابن عباس^{۳۰}:
سند مزبور، نه تنها به دلیل ضعیف بودن یحیی بن ابی زوق همدانی^{۳۱} و نیز مجهول بودن محمد بن
نعمان، بلکه به دلیل انقطاع در سند غیر قابل اعتماد است؛ زیرا واسطه میان ابن عباس و ضحاک بر ما
آشکار نیست.

ه. طریق ابو کنیر الزبیری

۱. «محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن احمد - ابی الثلج - الکاتب عن الحسن بن - محمد - بهرام، عن
عثمان بن أبی شیبة عن وکیع عن المسعودی عن عمرو بن مرة عن عبد الله بن الحارث المکتب عن أبی کنیر
الزبیدی عن عبد الله بن العباس»^{۳۲}.

از رجال این سند، به جز حسن بن بهرام که مجهول است، سایرین در منابع رجالی توثیق شده‌اند؛ اما
حتی مجهول بودن یک راوی نیز به ضعف سند می‌انجامد.

اسناد روایات زید بن ارقم

۱. «قال الحاكم في شواهد التزليل: أخبرنا أبو القاسم القرشي والحاكم، قالوا: أخبرنا أبو القاسم الماسرجسی
حدثنا أبو العباس محمد بن یونس الکردیمی حدثنا حماد بن عیسی الجهنی حدثنا نهاس بن قهم عن القاسم
بن عوف الشیبانی: عن زید بن أرقم»^{۳۳}.

در سلسله روایان این سند، محمد بن یونس نزد کسانی چون احمد بن حنبل و شافعی، ثقه و
حسن‌الحديث و در نزد برخی دیگر، به دلیل نقل روایات غریب و منکر، ضعیف شناخته شده است^{۳۴}. نیز
ضعف قاسم بن عوف در بین رجال شناسان مورد اختلاف^{۳۵}، اما ضعف نهاس بن قهم امری مورد اتفاق و
یقینی است^{۳۶}.

با توجه به این که حماد بن عیسی از اصحاب اجماع است، اگر قابل به این دیدگاه شویم که در
بررسی روایات، صرف صحت سند تا اصحاب اجماع کافی است و نیازی به بررسی ادامه سند نیست، و
نیز، اگر در باره محمد بن یونس، توثیق ابن حنبل و شافعی را بپذیریم، سند مزبور صحیح است. اما از آن
جا که چنین تعریفی از اصحاب اجماع در نزد بزرگان رجالی^{۳۷} پذیرفته نیست و صحت سند تا آنها، ما را از
بررسی ادامه رجال سند بی نیاز نمی‌سازد، ضعف نهاس بن قهم به ضعف سند می‌انجامد.

۳۰. مناقب علی بن ابیطالب، ص ۳۴۱.

۳۱. لسان‌المیزان، ج ۶، ص ۲۵۳؛ میزان‌الاعتدال، ج ۴، ص ۳۷۴.

۳۲. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۵۰.

۳۳. مناقب الامام امیر المومنین، ج ۱، ص ۵۸.

۳۴. تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۶۱۸ - ۱۹؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۰۶ - ۲۱۱.

۳۵. الجرح والتعديل، ج ۷، ص ۱۱۴ - ۱۱۵؛ ضفراء، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳۶. الجرح والتعديل، ج ۸، ص ۵۱۰ - ۵۱۱.

۳۷. معجم رجال‌الحديث، ج ۱، ص ۵۷ - ۶۱؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۱۹۶.

اسناد روایت طاووس بن کيسان

۱. «قال ابن مغازلی: أخبرنا أبو طاهر محمد بن علی بن محمد البیع، أنبأنا أبو عبدالله أحمد بن محمد بن عبدالله بن خالد الكاتب، حدثنا أحمد بن جعفر بن محمد بن سالم المحتلی، حدثني عمر بن أحمد، قال: قرأت علی أمی فاطمة بنت محمد بن شعيب بن أبي مدین الزیات، قالت: سمعت أباک أحمد بن روح يقول: حدثني موسى بن بهلول، حدثنا محمد بن مروان - بن عبدالله بن اسماعیل الکوفی البصری السدی -، عن لیث بن أبي سلیم: عن طاووس»^{۳۸}.

از رجال این سند، عمر بن احمد^{۳۸}، محمد بن مروان^{۳۹} و لیث بن ابی سلیم^{۴۰}، ضعیف و فاطمه بنت محمد بن شعيب و احمد بن روح، مجهول اند. همچنین، مروی عنه طاووس، نامشخص و سند حدیث، مرسل است. نیز با توجه به این که طاووس، از بزرگان تابعان است، سندی که به وی ختم شود، مقطوع نام می گیرد.

اسناد روایت اصیغ بن نباته

۱. «قال ابن الجوزی: أخبرنا محمد بن ناصر، أنبأنا أبو عبد الله بن أبي نصر الحمیدی أنبأنا أبو علی الحسن بن عبد الرحمن بن البیع، أنبأنا أبو القاسم عبید الله بن محمد السقطی، أنبأنا عثمان بن أحمد الدقاق، أنبأنا عبد الله بن ثابت، حدثنا أبي (ثابت بن یعقوب)، عن الهذیل بن حبيب و أبي عبد الله السمرقندی عن محمد بن كثير الكوفی عن الأصیغ بن نباته»^{۴۱}.

۲. «قال الحاكم فی شواهد التنزیل: أخبرنا عقیل (بن الحسين النسوی) أخبرنا علی بن الحسين (بن قیسده) حدثنا (ابو بكر) محمد بن عبید الله حدثنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماک، حدثنا عبد الله بن ثابت المقرئ قال: حدثني أبي (ثابت بن یعقوب)، عن الهذیل، عن مقاتل، عن الأصیغ بن نباته»^{۴۲}.

اسناد مزبور به دلیل مجهول الحال بودن عبد الله بن ثابت مقرئ و پدرش (ثابت بن یعقوب)، ابو عبدالله سمرقندی و هذیل بن حبيب، و نیز به دلیل مورد اختلاف بودن وثاقت محمد بن كثير^{۴۳} و ضعیف بودن علی بن حسین^{۴۴}، و همچنین به دلیل نامشخص بودن مروی عنه اصیغ بن نباته، ضعیف، مرسل و مقطوع محسوب می گردد.

۳۸. مناقب ابن مغازلی، ص ۲۷۲.

۳۹. سوالات حمزه، ص ۲۲۶.

۴۰. الکامل، ج ۶ ص ۲۶۵ - ۲۶۶: تخریب التهذیب، ج ۲، ص ۱۳۱.

۴۱. ضغفاء، ج ۴، ص ۱۴ - ۱۷: تخریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۸.

۴۲. الموضوعات، ج ۱، ص ۳۹۰.

۴۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۴.

۴۴. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۵۳۷.

۴۵. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۲۰: کتاب المجرمین، ج ۲، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

اسناد روایت سعید بن جبیر

۱. «قال الحاكم في شواهد التنزيل: أخبرنا عقيل (بن الحسين النسوي) أخبرنا علي بن الحسين (بن قتيبة) حدثنا (ابوبكر) محمد بن عبيد الله حدثنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماك، حدثنا عبد الله بن ثابت المقرئ قال: حدثني أبي (ثابت بن يعقوب)، عن الهذيل، عن مقاتل عن سعيد بن جبیر».^{۴۶}
 در رجال این سند، علی بن حسین، عبد الله بن ثابت، پدر وی و هذیل بن حبیب، مجهول الحال و مروی عنه سعید بن جبیر، نامعلوم است. لذا سند مزبور، ضعیف، مرسل و مقطوع است.

اسناد روایت عامر بن واثله

۱. «قال ابن بابويه: حدثنا أبي، ومحمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، قالوا حدثنا سعد بن عبد الله - أبي خلف الأشعري قال: حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحكم بن - مسكين الثقفي، عن أبي الجارود وهشام أبي ساسان وأبي طارق السراج، عن عامر بن واثله».^{۴۷}
 ضعف این سند به ضعیف بودن ابو الجارود^{۴۸} و مجهول بودن هشام و ابو الطارق باز می‌گردد. باید دانست که گرچه این مجموعه اسناد به لحاظ ارزیابی رجال شناختی، غالباً به دلیل وجود یک یا دو راوی مجهول، بعضاً به سبب اشتغال بر برخی راویان ناموثق و یا راویانی که وثاقت یا ضعف آنها مورد اختلاف است و به صورت نادر نیز به دلیل عدم اطمینان از انتساب کتاب به مؤلف و مجهول الحال بودن حلقه وصل آن به نسل‌های بعد، ضعیف تلقی می‌شوند، اما ضعف آنها منجر به شهرت روایی است. ابن صلاح در مقدمه خویش یکی از راه‌های جبران ضعف سند راه مشروط به این که ضعف ناشی از کذاب بودن راوی نباشد، کثرت طرق نقل می‌داند.^{۴۹} محمد ناصر البانی نیز در این باره چنین می‌نویسد:
 مشهور در نزد بزرگان این است که یک روایت اگر به طرق متعدد روایی، هر چند ضعیف، نقل شود، قوت یافته و حجت می‌گردد.^{۵۰}

این قاعده در سیره حدیث‌پژوهی محدثان خاصه و عامه منعکس است؛ چنانکه ابن حجر حتی در روایات شدیدالضعف نیز، کثرت طرق نقل را جبران‌کننده ضعف سند می‌داند و معتقد است که این گونه روایات، گرچه از طریق صحیح به دست ما نرسیده‌اند، اما به هر حال ریشه در واقعیت دارند.^{۵۱} همچنین شوکانی، آن گاه که به روایتی در باب آیه ۴۳ سوره نساء می‌رسد، ضعف سندی آن را منجر به کثرت طرق نقل می‌داند.^{۵۲}

۴۶. شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۴۰۴.

۴۷. الخصال، ص ۵۵۳.

۴۸. رجال النجاشی، ص ۱۷۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۱۸۸ - ۱۹۰، تدریب التمهید، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴۹. مقدمه، ص ۳۴. برای آگاهی بیشتر از این قاعده ر. ک: به: قواعد التحدیث، ج ۱، ص ۶۳.

۵۰. «المشهور عند أهل العلم أن الحديث إذا جاء من طرق متعددة فإنه يتقوى بها، ويصير حجة، وإن كان كل طريق منها على اضعيفا...» (تمام المنه، ص ۳۱).

۵۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۵۲. نیل الاوطار، ج ۱، ص ۱۹۹.

همین قاعده در میان بزرگان شیعه نیز رواج دارد؛ به عنوان نمونه شیخ مفید، بزرگ اندیشمند مکتب حدیثی بغداد - که در امر حدیث و قبول اخبار، جدی و سختگیر بوده و حتی حدیث واحد صحیح‌السند را فاقد حجیت می‌داند^{۵۳} - آن گاه که به برخی اخبار مربوط به معجزات حضرت امیر^ع می‌پردازد، عامل شهرت را موجب بی‌نیازی از بررسی سندی آن می‌داند.^{۵۴} نیز، آن گاه که خطبه ششقیه را موضوع گفتار قرار می‌دهد، چنین می‌نگارد:

خطبه مزبور که ابن عباس به نقل آن همت گماشته، مشهورتر از آن است که بخواهیم برای اثبات سند آن، خویشتن را به تکلف اندازیم.^{۵۵}

در دوره معاصر نیز می‌توان از علامه شعرانی نام برد که در باب اصل صدور برخی معجزات از حضرت امیر^ع: این گونه می‌گوید:

این روایت، به طرق متعدد نقل گردیده و ضعف اسناد آن، منجر به کثرت طرق نقل است.^{۵۶}

با توجه به آنچه پیش از این درباره شهرت روایی و تواتر معنوی اصل صدور سوره ﴿هَلْ آتَى﴾ در شأن اهل بیت^ع بیان گردید، می‌توان گفت ضعف سندی این مجموعه روایی، حتی بنا بر مبانی حدیث‌پژوهی خود دانشمندان عامی مذهب، منجر به شهرت و کثرت طرق نقل است و لذا خانواده حدیثی مزبور که بررسی و ارزیابی اسنادش پیش از این گذشت؛ هم چنان اثبات گر فضیلتی بزرگ برای خاندان عصمت و طهارت است.

ب. روایت صحیح‌السند و قوی‌المتن

صحیح‌ترین سند موجود برای اثبات نزول سوره ﴿هَلْ آتَى﴾ در شأن اهل بیت^ع، سند ذیل است:

قال محمد بن المشهدی فی المزار: اخبرنی بهذا الحدیث، العالم أبی جعفر محمد المعروف بابن الحمد النحوی، رفع الحدیث عن الفقیه الامام العسکری صلوات الله علیه فی شهر سنة إحدى وسبعین و خمسمائة؛ وأخبرنی الفقیه الاجل أبو الفضل شاذان بن جبرئیل القمی^ع، عن الفقیه العماد محمد بن أبی القاسم الطبری، عن أبی علی، عن والده، عن محمد بن محمد بن النعمان، عن أبی القاسم جعفر بن قولویه، عن محمد بن یعقوب الكلینی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن أبی القاسم بن روح وعثمان بن سعید العمری،

۵۳. النذکره باصول الفقه، ص ۸.

۵۴. «ومن ذلك ما رواه أهل السير واشتهر الخبر به في العامة والخاصة حتى نظمه الشعراء وخطب به البلغاء ورواه الفهماء... ويعني عن تكلف إيراد الاسناد له» (الارشاد، ج ۱، ص ۳۳۴).

۵۵. «فأما خطبته» التي رواها عنه عبد الله بن عباس فهي أشهر من أن ندل عليها ونحمل لثبوتها» (الجمل، ص ۶۲).

۵۶. «و اما هي - فمرور بطرق عديدة و.. ضعف الإسناد منجر بكثرة الطرق» (شرح اصول الكافي، ج ۶ ص ۴۱۸).

عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري، عن أبيه صلوات الله عليهما: ... السلام عليك يا امير المؤمنين ... انت مطعم الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً لوجه الله لا تريد منهم جزأً و لا شكوراً. و فيك انزل الله تعالى: «و يوثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون...»^{۵۷}

توصیف رجال شناختی هر یک از رجال سند این روایت به شرح ذیل است:

۱. ابو عبد الله بن المشهدی

نویسندهٔ مزار کبیر ابو عبد الله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری، معروف به ابن المشهدی از بزرگان علمای شیعه در قرن ششم است و کتاب مزار از قدیمی‌ترین منابع ادعیه و زیارات است که سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب مصباح الزائر و برادرش سید عبد الکریم بن طاووس در کتاب فرحة الغری به آن سخت اعتماد نموده و روایات زیادی را از آن نقل نموده‌اند.

نیز از متأخران، علامهٔ مجلسی در بحار الانوار بدان اعتماد نموده و آن را مزار کبیر نامیده است. علو مرتبت و رفعت منزلت این عالم فرزانه در علم و عمل، از تعظیم و تکریم دانشوران بزرگ شیعه نسبت به وی کاملاً روشن می‌گردد. شیخ حر عاملی در وصف او گفته است:

كان فاضلاً محدثاً صدوقاً له كتب يروى عن شاذان...^{۵۸}

شهید اول نیز، در اجازه خویش به شیخ شمس الدین، از ابن مشهدی این گونه یاد می‌کند:

الشيخ الإمام السعيد ابو عبد الله بن المشهدی.^{۵۹}

از اجازه شیخ حسن صاحب معالم، فرزند شیخ زین الدین شهید ثانی - که شخصیتی است نقاد و کتاب مهم منتقى الجمال را در تفکیک حدیث شیعه به انواع صحیح، ضعیف و... نگاشته است - چنین بر می‌آید که ابن مشهدی کتاب‌های متعددی داشته است. متن بیان وی در این خصوص چنین است:

و بالاسناد عن الشيخ نجيب الدين محمد عن الشيخ السعيد ابى عبد الله محمد بن جعفر

المشهدی الحائری جميع کتبه و رواياته.^{۶۰}

ملاحظه می‌شود که در این اجازه از همه مصنفات و منقولات روایی ابن مشهدی سخن رفته است. افزون بر این، از اجازه مزبور چنین استفاده می‌شود که مؤلف مزار کبیر در همان سنین جوانی اهل علم و فضل بوده است؛ زیرا شیخ حسن از نجم الدین بن نما و او از پدرش چنین نقل می‌کند که ابن مشهدی کتاب شریف المقننه اثر شیخ مفید را پیش از بیست سالگی بر ابی منصور محمد بن حسن بن منصور

۵۷. المزار، ص ۲۶۴.

۵۸. اهل الامل، ج ۲، ص ۲۵۳.

۵۹. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۷.

۶۰. همان، ج ۱۰۶، ص ۲۱.

نقاش موصلی قرائت نموده است.^{۶۱}

۲. ابو الفضل شاذان بن جبرئیل قمی

ابن مشهدی در این سند از شاذان بن جبرئیل به «الفقیه الاجل» تعبیر نموده^{۶۲} و شیخ حرّ عاملی در اصل
لا مل در باره شاذان آورده است:

الشیخ الجلیل الثقة، کان عالماً فاضلاً فقیهاً عظیم الشان جلیل القدر، له کتب.^{۶۳}

۳. محمد بن ابی القاسم الطبری

شیخ منتجب الدین در فهرست خویش از او با عنوان «الشیخ الامام عماد الدین فقیه ثقة»^{۶۴} یاد نموده و
شیخ حرّ عاملی درباره وی چنین می‌نویسد:

هو ثقة جلیل القدر محدث له کتب.^{۶۵}

۴. ابو علی

ابو علی کنیه حسن بن محمد بن حسن طوسی، فرزند شایسته شیخ طوسی است. شیخ منتجب الدین در
فهرست خویش نسبت به وی می‌نویسد:

الشیخ الجلیل فقیه عین ثقة، قرء علی والده جمیع تصانیفه.^{۶۶}

همچنین شیخ حرّ عاملی او را چنین می‌ستاید:

کان عالماً فاضلاً فقیهاً محدثاً جلیلاً ثقة له کتب.^{۶۷}

وی پس از پدر، زعامت شیعیان نجف را بر عهده گرفت و به لقب «مفید دوم» ملقب گردید.^{۶۸}

۵. شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی

موقعیت برجسته و ممتاز شیخ طوسی چنان بوده است که نجاشی وی را با عبارت «جلیل فی اصحابنا ثقة
عین»^{۶۹} توصیف و علامه حلی او را با وصف «شیخ الامامیه و وجههم و رئیس الطائفه جلیل القدر عظیم

۶۱. همان، ج ۱۰۶، ص ۴۴.

۶۲. المزار، ص ۲۶۳.

۶۳. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۳۰.

۶۴. فهرست منتجب الدین، ص ۱۰۷.

۶۵. امل الآمل، ج ۲، ص ۷۶.

۶۶. فهرست منتجب الدین، ص ۴۶.

۶۷. امل الآمل، ج ۲، ص ۷۶.

۶۸. الذریعه، ج ۱، ص ۴۲۸.

۶۹. رجال النجاشی، ص ۴۰۳.

المزله ثقة صدوق و جميع الفضائل منتسب اليه» معرفی می‌سازد.^{۷۰}
از توفیقات برتر و امتیازات شیخ طوسی، تنقیح و تهذیب اعتقادات شیعه در اصول و فروع و نگارش دو کتاب شریف *التهدیب و الاستبصار* است.

۶. محمد بن محمد بن نعمان

شیخ مفید از متکلمان برجسته امامیه به شمار می‌رود که در حیات نورانی‌اش ریاست طایفه شیعه به او منتهی شد و در دانش دین و فقه، بر همه دانشمندان پیشی گرفت، تا جایی که نه تنها رجال‌شناسان شیعه چون نجاشی درباره‌ی وی چنین نگاشته‌اند:

شیخنا و استاذنا - رضی الله عنه - فضله اشهر من ان یوصف فی الفقه و الکلام و الروایة و الثقة و العلم، له کتب.^{۷۱}

بلکه اندیشمندان عامه نیز از مدح وی فروگذار نکرده‌اند.^{۷۲}

۷. ابو القاسم جعفر بن قولویه

به حکایت تاریخ‌دانان و رجال‌شناسانی چون نجاشی، ابن قولویه از بزرگان شیعه و ثقات امامیه است:

کان این قولویه من ثقات اصحابنا و اجلائهم فی الحدیث و الفقه و کل ما یوصف به الناس من جمیل فهو فوکه، له کتب حسان.^{۷۳}

ابن حجر نیز او را از فقها و بزرگان شیعه در عهد خویش معرفی نموده است.^{۷۴}

۸. محمد بن یعقوب الکلینی

شیخ کلینی مؤلف کتاب *الکافی*، زعیم شیعه در عهد خود بوده و نجاشی شأن او را چنین ستوده است:

کان اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم، صَنَّفَ الکتاب الکبیر یسمی الکافی فی عشرين سنه.^{۷۵}

۷۰. خلاصه الاقوال، ص ۲۴۸.

۷۱. رجال النجاشی، ص ۴۰۰.

۷۲. به عنوان مثال، ذمبی می‌نویسد: «الشیخ المفید: عالم الرفضه، صاحب التصانيف، الشیخ المفید، واحده: محمد ابن محمد بن نعمان، البغدادی الشیعی، و يعرف بابن المعلم. کان صاحب فنون و بحوث و کلام، و اعترال و أدب ذکره ابن ابی طی فی "تاریخ الامامة" فأطنب و أسهب، و قال: کان أوحده فی جمیع فنون العلم: الاصلین، و الفقه، و الاخبار، و معرفة الرجال، و التفسیر، و النحو، و الشعر. و کان ینظر أهل کل عقیده مع العظمة فی الدولة البویهیه، و الرتبة الجسیمه عند الخلفاء، و کان قوی النفس، کثیر البر، عظیم الخشوع، کثیر الصلاة و الصوم، ینس الخشن من الثیاب، و کان مدیمًا للمطالعة و التعلیم، و من أحفظ الناس. قیل: إنه ما ترک للمخالفین کتاباً إلا و حفظه، و بهذا قدر علی حل شبه القوم، و کان من أحرص الناس علی التعلیم...» (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴).

۷۳. همان، ص ۱۲۳.

۷۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۲۵.

۹. علی بن ابراهیم

علی بن ابراهیم از روات ثقه و بزرگان امامیه است که در حق او چنین گفته‌اند:

ثقه فی الحدیث ثبت معتمد.^{۷۶}

۱۰. ابراهیم بن هاشم قمی

وی در اصل، کوفی و از رجال کامل الزیارات است که به قم مهاجرت نمود و ۶۴۱۴ حدیث از احادیث کتب اربعه، از وی روایت شده است.^{۷۷} رجال شناسان در وصف وی چنین گفته‌اند:

انه اول من نشر حدیث الکوفیین بقم، له کتب.^{۷۸}

سید بحر العلوم در باره وجه دلالت این عبارت بر وثاقت ابراهیم این گونه می‌نویسد:
با توجه به سیره مکتب حدیثی قم در پذیرش اخبار و تسریع آن در جرح و سخت گیری آن در تعدیل راویان معلوم می‌گردد که اگر ابراهیم بن هاشم در نزد محدثان قم ثقه نبود، حدیثش را نپذیرفته و او را طرد می‌کردند.

لذا توصیف وی با عبارت: «اول من نشر حدیث الکوفیین بقم»، از جایگاه و شخصیت والای او حکایت می‌کند.^{۷۹} از همین روست که میرداماد نیز، توصیف ابراهیم بن هاشم را به عنوان نخستین نشر دهنده حدیث کوفیان در قم، نشانه حسن و مقبولیت نامبرده دانسته است.^{۸۰}

۱۱. ابو القاسم حسین بن روح بن ابی بحر النوبختی

وی سومین سفیر از سفرای چهارگانه حضرت بقیه الله (عج) در غیبت صغری است. شیخ طوسی در کتاب ضیعت، درباره او چنین می‌نگارد:

کان من اعقل الناس عند المخالف و الموافق.^{۸۱}

۷۵. رجال النجاشی، ص ۳۷۷.

۷۶. رجال ابن داود، ص ۱۳۵.

۷۷. موسوعة مؤلفی الامامیه، ج ۱، ص ۴۳۶.

۷۸. رجال النجاشی، ص ۱۶.

۷۹. «تلقی القمیین من أصحابنا احادیثه بالقبول، إلا أن العمدة فيه ملاحظة أحوال القمیین، وطریقتهم فی الجرح والتعدیل، وتضییقهم أمر العدالة، وتسرعهم إلى القدح والجرح والمهجر والاخراج بأدنی ریبة كما ینظر من استثنائهم کثیرا من رجال نوادیر الحکمة، وطقنهم فی یونس بن عبد الرحمن مع جلالته وعظم منزلته، وإبعادهم لأحمد بن محمد بن خالد من قم لروایتیه عن المجاہیل واعتمادیه علی المراسیل، وغیر ذلك مما ینعلم بتتبع الرجال. فلو لا أن ابراهیم بن هاشم عندهم بکمان من الثقة والاعتماد لما سلم من طعنهم وغمزهم بمقتضى العادة، ولم یتسکن من نشر الأحادیث التي لم یعرفوها إلا من جهته فی بلده.» (فوائد الرجالیه، ج ۱، ص ۴۶۴).

۸۰. الرواضح السماویة، ص ۸۲.

۸۱. النبیة، ج ۱، ص ۳۹۴.

محمد بن عثمان وی را به عنوان جانشین خویش و سومین نائب حضرت معرفی ساخته و فرموده است:

هذا ابو القاسم الحسين بن روح بن ابي بحر النوبختي، القائم مقامی و السفير بینکم و بین صاحب الامر، والوكيل والثقة الامين.^{۸۲}

۱۲. عثمان بن سعید

عثمان بن سعید، سفیر نخست حضرت صاحب الامر و از خدمتگزاران حضرت هادی^ع بوده است. در شأن والای او همین بس که حضرت عسکری^ع در حق وی فرمود:

هذا أبو عمرو الثقة الامين ثقة الماضي وثقتي في المحيا.^{۸۳}

بنا بر این سخن، دیگر نیازی به اثبات وثاقت وی نیست. همان گونه که مشاهده می‌گردد، سند این روایت در کمال صحت و اعتبار است و اهل روایت و درایت، بر وثاقت، صداقت و عدالت راویان آن گواهی داده‌اند. محدث نوری در باره این سند چنین می‌نویسد:

هذا سند لا يوجد نظيره في الصحه.^{۸۴}

همچنین این روایت، به لحاظ مضمونی نیز از ایرادهایی که برخی چون ابن جوزی بر دیگر روایات رسیده در این مقام وارد ساخته‌اند، مبرا است و اصل نزول سوره «هل أتى» در شأن اهل بیت^ع را با کوتاه ترین و صریح‌ترین عبارت، این گونه بیان می‌دارد:

يا امير المؤمنين! انت مطعم الطعام على حبه مسكيناً و يتماً و اسيراً لوجه الله، لا تريد منهم جزاء و لا شكوراً.

دفع یک اشکال محتمل

ممکن است این اشکال وارد شود که قول راویان شیعه تنها برای خود آنها معتبر است و ضرورتی ندارد سایر مسلمانان آن را بپذیرند. برای پاسخ به این اشکال، باید دانست که بنا بر معیار بسیاری از حدیث پژوهان عامه چون شافعی، آنچه در صحت یک حدیث دخیل است، صدق و ضبط راوی است و مذهب او هیچ دخالتی در پذیرش یا عدم پذیرش حدیث وی ندارد.^{۸۵} بغوی در این باره می‌نویسد:

اکثر محدثان، روایات اهل بدعت را چنانچه در گفتار صادق باشند، می‌پذیرند؛ چنانچه بخاری از فردی به نام عباد بن یعقوب روایت می‌کند که به نقل محمد بن اسحاق بن خزیمه، در گفتار، صادق و در مذهب، متحرف است.^{۸۶}

۸۲. خلاصة الاقوال، ص ۴۳۲.

۸۳. الغيبة، ج ۱، ص ۳۶۴.

۸۴. خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۳۶۲.

۸۵. مقدمه، ص ۹۰ - ۹۱: نرات النظر، ج ۱، ص ۶۰ - ۹۰.

۸۶. «اختلفوا فی روايه المبتدعه و اهل الأهواء فقلها أكثر أهل الحديث إذا كانوا فيها صادقین فقد حدث محمد بن إسماعيل عن عباد بن يعقوب الرواجی . وكان محمد بن إسحاق بن خزيمه يقول : حدثنا الصدوق فی روايته المنتمه فی دينه عباد بن يعقوب» (المنهاج، ج ۱، ص ۶۱).

نیز، ابن حجر تنها روایات فردی را نمی‌پذیرد که منکر یکی از ضروریات دین باشد؛ در غیر این صورت هر فردی از هر مذهبی که راستگوی در کلام و اهل تقوی و ورع باشد، روایتش پذیرفته است.^{۸۷} بر همین اساس، سیوطی نام روایانی که از اهل سنت نیستند، لیکن بخاری در صحیح خود از آنها روایت نموده، گردآورده است.^{۸۸} لذا حتی اگر رجال راوی این روایت را که بزرگان اهل سنت چون ذهبی، به علو قدر و رفعت منزلت برخی از آنها معترف‌اند، به مصداق «کل حزب بما لدیهم فرحون»^{۸۹}، مبتدع بخوانند، باز از اصالت و حجیت روایت مذکور در اثبات اصل نزول سوره «هَلْ أَتَىٰ» در شأن اهل بیت^{۹۰} چیزی کاسته نمی‌شود.

۴. اختلاف نظر در میان صاحب نظران اهل سنت

مجموع دانستن این دسته از روایات و اصل فضیلت مزبور، در بین خود علمای عامه نیز بی جواب نمانده و برخی از بزرگان اهل سنت، به این گفتارها پاسخ گفته‌اند. خود این جوزی نخستین کسی است که به نقض گفتار خویش پرداخته و با وجود این که در کتاب موضوعات، این روایات را از معمولات شیعه دانسته، در کتاب تبصره‌اش در وصف اهل بیت^{۹۱} چنین سروده است:

دلّم در هوای ولایت علی می‌تپد و ایمانم محبت اوست.... اگر مناقب علی را شنیده‌ای، فضایلش را در سوره «هَلْ أَتَىٰ» جستجو کن که همین یک فضیلت برای وی کفایت می‌کند.^{۹۲}

از دیگر کسانی که به نقد گفتار ابن جوزی در کتاب الموضوعات پرداخته‌اند، نوه وی، معروف به سبط ابن جوزی است که در پاسخ به جدش، می‌نویسد:

اگر گفته شود این روایت را جدّ تو در کتاب موضوعاتش آورده و درباره آن گفته است: «اشعار منسوب به اهل بیت^{۹۳}» در این روایت، اشعاری عاری از فصاحت است که با شان ایشان سازگار نیست. نیز بعید است که حضرت امیر و فاطمه زهرا^{۹۴} اطفال خردسال خویش را از طعام بازدارند. همچنین در سند آن اصغ بن نباته قرار دارد که به لحاظ رجالی متروک الحدیث است». در پاسخ می‌گوییم: اولاً این گونه نحوه بیان در اشعار رجزگونه معمول است و ایرادی متوجه ابیات

۸۷ «والتحقیق أنه لا یرد کل مکفر ببدعته لأن کل طائفة تدعی أن مخالفها مبتدعة وقد تبالیغ فتکفر مخالفها فلو أخذ ذلک علی الإطلاق لاستلزم تکفیر جمیع الطوائف . فالعتمد أن الذی ترد روايته من أنکر أمراً متواتراً من الشرع معلوماً من الدین بالضرورة وکذا من اعتقد عکسه . فأما من لم یکن بهذه الصفة وانضم إلى ذلک ضیطة لما یرویه مع ورعه وتقواه فلا مانع من قبوله» (نزّهة النظر، ج ۱، ص ۲۶).

۸۸ تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۸۹ سوره روم، آیه ۵۳.

۹۰ «أهوٰ علیاً وایمانی بحبته . کم مشرک دمه من سیفه وکفا * إن کنت وبعیک لم تسمع مناقبه ، فاسمع مناقبه من هل اتی

وکفی» (التبصره، ج ۱، ص ۴۰۱).

مزبور نیست.

ثانیاً ما همین روایت را با سندی غیر از طریق اصبح نقل نمودیم و لذا مشکل سند نیز مرتفع می‌شود.

ثالثاً تعجب است از ابن جوزی که با وجود انکار این روایت در کتاب *الموضوعات*، در منتخب خویش این گونه می‌نگارد: «هان ای بزرگان دین، آیا هیچ می‌دانید علی و فاطمه علیهم‌السلام از چه رو نیازمندان را بر اطفال گرسنه خویش ترجیح دادند؟ آیا گمان می‌کنید که آنها روایت «ابدأ بمن تعول» را نشنیده بودند؟ نه چنین است، بلکه این از آن روست که آن دو بزرگوار از درجه والای صبر و تحمل حسنین علیهم‌السلام، این دو ثمره شاخسار نبوی و دو بضعه شجره فاطمی آگاه بودند...»^{۹۱}

آلوسی از دیگر شخصیت‌های اهل سنت است که به نقد گفتار ابن جوزی پرداخته و ردّ اصل این فضیلت را نپذیرفته است. وی در *تفسیر روح المعانی*، پس از ذکر روایت نزول سوره ﴿هَلْ أَتَىٰ﴾ در شأن اهل بیت علیهم‌السلام به سخن ابن جوزی در *الموضوعات* می‌پردازد و در پاسخ بدان می‌گوید:

چگونه است که ابن جوزی، خود در کتاب *تصره‌اش* همین روایت را ذکر نموده و آن را مجعول ندانسته است؟ ... بنا بر این، احتمال نزول این سوره در شان اهل بیت علیهم‌السلام هم چنان مطرح است... و حتی اگر به این احتمال گردن ننهیم، باز چیزی از قدر و منزلت آنها کاسته نمی‌شود، زیرا دخول آن بزرگواران در زمره ابرار، مسلم و بلکه اولی است. به راستی چه کسی سزاوارتر به این آیات از علی مولی المؤمنین، فاطمه، بضعه پیامبر و حسنین علیهم‌السلام، سید جوانان بهشت؟ و این اعتقاد، نه رفض، که هر چه جز آن گمراهی است: «أنا عبد الحق لا عبد الهوى * لعن الله الهوى فيمن لعن». اگر فضیلت سوره ﴿هَلْ أَتَىٰ﴾ را برای اهل بیت علیهم‌السلام ثابت بدانیم، نکته لطیفی ظهور می‌یابد و آن این که خداوند در این سوره به دلیل رعایت حرمت فاطمی، از حور العین یاد نمی‌کند.^{۹۲}

افزون بر موارد فوق - که صراحتاً به نقد گفتار ابن جوزی پرداخته‌اند - اشعار و گفتار دیگر بزرگان عامه، خود، گواهی است بر تأیید صحت اصل نزول سوره ﴿هَلْ أَتَىٰ﴾ در شأن اهل بیت علیهم‌السلام و شاهدهی است بر بطلان گفتار کسانی چون ابن جوزی که اصل فضیلت نزول سوره ﴿هَلْ أَتَىٰ﴾ در شأن اهل بیت علیهم‌السلام را ساخته شیعیان و اسطوره‌ای بی‌اساس می‌دانند. ذیلاً به نمونه‌هایی چند از این سخنان اشاره می‌شود:

- حموی خراسانی، صاحب کتاب *فرائد السعیدین*؛ وی در کتاب *گران قدر خویش*، پیش از نقل روایت، درباره نزول سوره ﴿هَلْ أَتَىٰ﴾ در شأن اهل بیت علیهم‌السلام می‌نویسد:

۹۱. *تذکره العواصم*، ص ۳۱۵.

۹۲. *روح المعانی*، ج ۲۹، ۱۵۷ - ۱۵۸.

این فضیلتی است که حتی دشمنان خفاش صفت نیز ناگزیر از نقل آن گردیده‌اند و شب‌های تاریک همواره از فروغ آن نور می‌گیرند.^{۹۳}

- حاکم حسکانی؛ وی در مقدمه کتاب *شواهد التنزیل*، معلوم می‌دارد که آنچه موجب نگارش این اثر گردیده، دفاع از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، بویژه فضیلت سوره ﴿هَلْ أَتَى﴾ است که توسط عدّه‌ای نابخرد، این‌گونه زیر سؤال رفته بود:

لم یقل أحد من المفسرین أنه نزل فی علی وأهل بیته سوره هل اتی ولا شیء سواها من القرآن.

از همین رو، وی با هدف پاک‌سازی چهره حق از نقار عداوت‌ها، به اثبات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام همت گماشته است:

فرأیت من الحسبة دفع هذه الشبهة عن الأصحاب ویادرت إلی جمع هذا الكتاب... و سمیته بشواهد التنزیل لقواعد التفضیل.^{۹۴}

- ابو جعفر اسکافی؛ وی که از عالمان بزرگ اهل سنت در قرن سوم است، حتی آن‌گاه که به مخاصمه و احتجاج با شیعه پرداخته، این فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام را نادیده نگرفته و درباره آن می‌گوید:
ما هرگز این را انکار نمی‌کنیم که حضرت امیر علیه‌السلام در راه رضای پروردگار، طعام خویش را به مسکین و یتیم و اسیر بخشید و خداوند سوره‌ای کامل در باره او و خانواده‌اش نازل فرمود.^{۹۵}

- خطیب خوارزمی؛ او در مناقب خویش، آن‌گاه که اسما و القاب حضرت امیر را برمی‌شمرد، از آن گرامی با عنوان «الذی انزل فیه هل اتی» یاد می‌کند.^{۹۶} و در جای دیگر، در شأن حضرت چنین می‌سراید:
همانا علی علیه‌السلام، پیشوای اوصیا و سرور ابوبکر و عمر است... آیا سوره ﴿هَلْ أَتَى﴾ در مدح کسی جز او و نذر خالصانه اش فرود آمده است؟^{۹۷}

- ابن طلحه فقیه شافعی؛

در عبادت علی همین عبادت و در مناقب وی همین منقبت کفایت می‌کند که طعامش را با وجود احتیاج، در راه رضای خدا اطعام نمود. از همین روست که این واقعه، جایگاهی عظیم و ماندگار یافته و خداوند در پی آن آیات قرآن را نازل فرموده است. به راستی که این خاندان. برای کسی که بدانها چنگ زند، عروء

۹۳. *فرائد السطین*، ج ۲، ص ۵۳.

۹۴. *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۱۹.

۹۵. *الغمامه*، ص ۳۱۸.

۹۶. *المناقب خوارزمی*، ص ۴۳.

۹۷. «ان علیاً سید الاوصیاء مولی ابی بکر و مولی عمر * . وهل اتی مدح فی هل اتی لغیره فی هل اتی إذ نذر» (*مناقب آل ابی طالب*، ص ۶۶).

الوفیای حق اند و مناقب ایشان در کلام وحی بیان گردیده است. مناقبی که سوره شوری، ﴿هَلْ أُنْتُمْ﴾ و احزاب آنها را برای مردمان به تصویر می کشند.^{۹۸}

نیز:

گوش بسیار تا مدح امام هدایتگر را از زبان آیات الهی بشنوی. ... آیات سوره احزاب، تحریم و ﴿هَلْ أُنْتُمْ﴾ که ثنای وی گفته و مدح او می گویند.^{۹۹}

- اقبال لاهوری؛

همسر فاطمه، فردی است که تاج فضیلت سوره ﴿هَلْ أُنْتُمْ﴾ را بر سر دارد؛ فضیلتی که در پرتو آن، خورشید رنگ می بازد.^{۱۰۰}

- بوصیری؛

خواستم زبان به مدح شما بگشایم که دیدم کتاب الهی برای مدح شما کفایت می کند. چه بسیار فضایل و کراماتی که سوره ﴿هَلْ أُنْتُمْ﴾ از شما خاندان برایم به تصویر کشیده است.^{۱۰۱}

نتیجه

اصل نزول سوره ﴿هَلْ أُنْتُمْ﴾ در شأن اهل بیت^{علیهم السلام}، مسأله‌ای است که در طول تاریخ، منابع عامه همگام با منابع شیعی به نقل آن همت گماشته‌اند. نیز، شهرت روایی و تواتر معنوی این قضیه - که حاصل کثرت روایت آن در هر طبقه است - می تواند ما را از بررسی سندی آن مستغنی می سازد؛ گر چه پرداختن به ارزیابی سندی آن، اصالتش را بیش از پیش برای ما به تصویر خواهد کشید؛ زیرا:

اولاً. روایت صحیح السند و عالی المضمونی در دست است که از همه اشکالات سندی و محتوایی، عاری و خود، به تنهایی برای اثبات این فضیلت بسنده است.

ثانیاً. روایت صحیح مزبور، معتضد به روایات بسیار است که گر چه سند آنها به لحاظ ارزیابی‌های اولیه رجالی ضعیف به نظر می رسد، اما بنا بر اصول علم مصطلح الحدیث در نزد عامه و خاصه، ضعف آنها منجر به شهرت روایی است؛ به گونه‌ای که حتی اگر روایت صحیح مزبور نیز در دست نبود، باز این مجموعه روایی برای اثبات اصل فضیلت کفایت می نمود.

بزرگان عامه، حتی خود ابن جوزی، به این فضیلت اهل بیت^{علیهم السلام} اقرار ورزیده و حتی کسانی چون سبط

۹۸. «فکفی بهذه عبادة، و بإطعام هذا الطعام مع شدة حاجتهم إليه متعبة، ولولا ذلك لما عظمت هذه القصة شانا، و علت مکانا، ولما

أنزل الله تعالی فیها علی رسول الله قرآنا: هم العروة الوثقی لمعتصم بها مناقبهم جاءت یوحی و إنزال * مناقب فی الشوری و سورة هل أنتی و فی سورة الأحزاب یعرفها التالی» (مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۴).

۹۹. «اصح و استمع آیات وحی تنزلت بمدح امام بالمهدی خصه الله * و فی آل عمران المباهله التي بانزالها اولاه بعض مزایاده و احزاب محمم و تحریم و هل أنتی شهود بها أنتی علیه و زکاه» (همان، ص ۱۱۸).

۱۰۰. «و لزوج فاطمة بسورة هل أنتی. تاج یفوق الشمس عند ضحاها».

۱۰۱. «و أنتم أناس أذهب الرجس عنهم، فلیس لهم خطب وإن جلَّ جاهد * و قدت علیکم بالمدیح و کلکم، علیه کتاب الله بالمدح

وافد» و قد بینت لی هل أنتی کم أنتی بهماکارم أخلاق لکم و محامد» (جميع دواوین الشعر العربی علی مر العصور، ج ۸، ص ۳۶۱).

ابن جوزی و حاکم حسکانی به دفاع از آن پرداخته‌اند. لذا دیگر جایی برای افتراءات ابن تیمیه و هم فکرائش - که با خرده‌گیری بر یک نقل از این مجموعه روایی و نادیده گرفتن دیگر روایات آن، اصل واقعه را زیر سؤال برده و آن را مجعول شیعیان معرفی می‌سازند - باقی نمی‌ماند.

کتابنامه

- الارشاد، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، تحقیق: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۳ق.

- الامالی، محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، قم: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.

- امل الامل، شیخ محمد بن حسن عاملی، بغداد: مکتبه الاندلس، بی‌تا.

- بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، علامه محمد باقر مجلسی، تحقیق: ربانی شیرازی، عبدالرحیم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

- البداية و النهاية، اسماعیل بن کثیر الدمشقی، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸م.

- تاریخ الاسلام، أبو عبدالله شمس‌الدین محمد بن احمد الذهبي، تحقیق: عمر عبدالسلام التدمری، بیروت: دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.

- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

- تاویل الآيات، علامه شرف‌الدین الحسینی، تحقیق: مدرسه امام المهدي(عج)، قم: مدرسة الامام المهدي(عج)، ۱۳۶۶ق.

- التبصرة، ابو الفرج عبد الرحمان بن الجوزی، فاهره: عیسی البابی الحلبي و شركاؤه، ۱۳۹۰ق.

- تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی، السبوطی، عبدالرحمان بن ابی‌ابکر، تحقیق: عبد الوهاب عبداللطیف، مکتبه الرياض، ریاض، بی‌تا.

- تذكرة الحفاظ، أبو عبدالله شمس‌الدین محمد بن احمد الذهبي، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

- تذكرة الخواص، الحافظ سبط بن الجوزی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

- تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

- تفسیر قمی، ابو الحسن علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سید طیب جزایری، قم: مؤسسة دار الکتب، ۱۴۰۴ق.

- تقریب التهذیب لختامة الحفاظ، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۵۵م.

- تمام المنة فی التعلیق علی فقه السنة، محمد ناصر الدین الالبانی، دار الرابطة للنشر، ۱۴۰۹ق.

- *ثمرات النظر فی علم الأثر*، محمد بن اسماعیل الامیر الصنعانی، تحقیق: رائد بن صبری بن ابی علفہ، الرياض: دارالعاصمة، ۱۴۱۷ق.

- *الجرح والتعديل*، ابن ابی حاتم رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۲ق.

- *الجمل*، محمد بن محمد بن نعمان معروف بہ شیخ مفید، قم: مکتبۃ الداوری، بی تا.

- *جميع دواوین الشعر العربی علی مرّ العصور* (محتویات موقع ادب).

- *خاتمه المستدرک*، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.

- *خصال*، ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین مشہور بہ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعة المدرسين فی الحوزة العلمية، بی تا.

- *خلاصة الاقوال*، علامہ جمال الدین حسن بن یوسف حلّی، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۷ق. نیز چاپ دوم، نجف، ۱۳۸۱ق.

- *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، آغا بزرج تهرانی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.

- *الرواشح السماوية*، محمد باقر الحسینی الاسترآبادی، معروف بہ میرداماد، تحقیق: غلامحسین قیصریہا و نعمة الله جلیلی، قم: دار الحديث للطباعة والنشر، ۱۴۲۲ق.

- *روح المعاني*، محمد آلوسی، تحقیق: علی عبد الباری العطیة، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۵ق.

- *سعد السمود*، رضی الدین ابو القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.

- *سوالات حمزة*، دار قطنی، تحقیق: موفق بن عبد الله بن عبد القادر، ریاض: مکتبۃ العارف، ۱۴۰۴ق.

- *سير اعلام النبلاء*، أبو عبد الله شمس الدین محمد بن احمد الذهبي، تحقیق: شعيب الارنؤوط و حسین الاسد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳م.

- *شرح اصول الكافي*، ملا صالح مازندرانی، تعليق: میرزا أبو الحسن الشعرانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

- *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، عبيدالله بن احمد الحاكم الحسكاني، تحقیق: شیخ محمد باقر، محمودی، تهران: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ق.

- *الضعفاء*، أبو جعفر محمد بن عمرو بن موسی العقیلی، تحقیق: دکتر عبد المعطی امین قلجی، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۸ق.

- *طرائف المقال*، سید علی بروجردي، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مکتبۃ آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ق.

- *العمانية*، عمرو بن بحر الجاحظ، تحقیق و شرح: محمد هارون، عبد السلام، بیروت: دار الکتب العربی، بی تا.

- العمدة (عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار)، يحيى بن الحسن الاسدي الحلبي، معروف به ابن البطريق، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤٠٧ق.
- الفدير في الكتاب و السنة و الأدب، علامه عبد الحسين احمد الامينى النجفى، بيروت: دار الكتب العربى، ١٩٧٧م.
- الغيبة، شيخ محمد بن حسن طوسى، تحقيق: شيخ عباد الله طهرانى و احمد على ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١١ق.
- فرائد السطرين، ابراهيم بن محمد الجوينى الخرسانى، تحقيق: شيخ محمد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسة المحمودى، ١٤٠٠ق.
- فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، ابوالعباس احمد بن على الأسدى الكوفى النجاشى، تحقيق: سيد موسى شبيرى الزنجانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٦ق.
- فهرست منتجب الدين، شيخ منتجل الدين على بن بابويه، تحقيق: محدث ارموى، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ١٣٥٨ش.
- الفوائد الرجالية، علامه سيد محمد مهدي بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، ١٣٦٣ق.
- قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، قم، ١٤١٠ق.
- قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، جمال الدين محمد قاسمى.
- الكامل، ابن عدى، تحقيق: دكتور سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- كتاب الرجال، تقى الدين حسن بن على بن داود حلى، النجف: مطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ق.
- كتاب المجرومين، محمد بن حبان، تحقيق: محمود ابراهيم زايد، مكة مكرمه: دار الباز، بى تا.
- الكشف و البيان، ثعلبى نيشابورى، ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهيم، تحقيق: ابى محمد بن عاشور، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
- لسان الميزان، ابن حجر عسقلانى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٩٧١م.
- مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسى، تصحيح شيخ ابو الحسن شعرانى، تهران: كتابفروشى اسلاميه، ١٣٩٥ق.
- المزار، محمد بن المشهدى، تحقيق: جواد القيومى الاصفهانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٩ق.
- مطالب السؤل في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة الشافعى، تحقيق: ماجد بن احمد العطية، بى نا، بى جا، بى تا.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، الخويى، آية الله سيد ابوالقاسم موسى، بى جا، بى نا، ١٤١٣ق.
- المقدمة، عثمان بن عبد الرحمان معروف به ابن صلاح، تحقيق: صلاح بن محمد بن عويضة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٦ق.
- مناقب آل ابى طالب، محمد بن على بن شهر آشوب، النجف الاشرف: مطبعة الحيدرية، ١٩٥٦م.

- مناقب الامام امیر المؤمنینؑ، محمد بن سلیمان کوفی، تحقیق: محمد باقر بہبودی، قم: مجمع احیاء التراث الثقافیہ، ۱۴۱۲ق.
- مناقب علی بن ابیطالبؑ، ابو بکر احمد بن موسیٰ بن مردویہ اصفہانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۴ق.
- المناقب، موفق، خوارزمی، تحقیق: شیخ مالک محمودی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- منهاج اہل السنۃ، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیہ الحرانی، تحقیق: محمد رشاد سالم، مؤسسہ قرطبہ، ۱۴۰۶ق.
- المنہاج، ابو زکریا یحییٰ بن شرف بن مری النووی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.
- موسوعۃ مؤلفی الامامیہ، مجمع الفکر الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- الموضوعات، ابو الفرج عبد الرحمان بن علی بن الجوزی القرشی، تحقیق: محمد عثمان، عبد الرحمان، المدینۃ المنورۃ: المكتبة السلفية، ۱۹۶۶م.
- میزان الاعتدال، محمد بن احمد ذہبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفۃ، ۱۳۸۲ق.
- نزہۃ النظر فی توضیح نخبۃ الفکر فی مصطلح اہل الأثر، ابن حجر عسقلانی، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ۱۴۰۱ق.
- نیل الاوطار، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، بیروت: دار الجیل، ۱۹۷۳ق.